

دیوان درویش

نزدان درویشی

۱۳۹۱

www.ketab.ir

سرشناسه: درویشی، یزدان، ۱۳۵۲
عنوان و نام پدیدآور: دیوان درویش یزدان درویشی :
مقدمه حواشی و تعلیقات پیمان الماسی؛ ویراستار ادبی حسین حقی.
مشخصات نشر: تهران: ارتش جمهوری اسلامی ایران، نیروی زمینی، مرکز مطالعات و تحقیقات و تدوین
آیین نامه‌ها، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۴۰ ص.

شابک: ۹۵۰۰۰ ریال 978-600-93016-1-4

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۴

شناسه افزوده: الماسی، پیمان، ۱۳۶۴ - مقدمه نویسی، توشیحگر

شناسه افزوده: حقی، حسین، ۱۳۶۴ - ویراستار

شناسه افزوده: ایران، ارتش، نیروی زمینی - مرکز مطالعات و تحقیقات و تدوین آیین نامه‌ها

رده بندی کنگره: ۱۳۹۱ ۸۷۶۵۹ PIR

رده بندی دیویی: ۸۱۶/۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۳۹۵۷۹۹۶



عنوان: دیوان درویش

مؤلف: یزدان درویشی

مقدمه، حواشی و تعلیقات: پیمان الماسی

ویراستار ادبی: حسین حقی

ناشر: مرکز مطالعات و تحقیقات و ارزیابی تدوین آیین نامه‌ها

چاپ اول: ۱۳۹۱

شمارگان: ۱۰۰۰

صفحه‌آرا: علیرضا شهبازی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۰۱۶-۱-۴

قیمت: ۹۵۰۰۰ ریال

نشانی: تهران - لویزان - ستاد فرماندهی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران - مرکز مطالعات و تحقیقات و ارزیابی تدوین آیین نامه‌های نزاجا

شماره: ۰۲۱-۲۲۹۳۶۴۵

تلفن: ۰۲۱-۲۲۹۳۶۵۸۰

مستوفی پستی: ۱۶۷۶۵-۱۶۵۶

رایانامه: datar.pajoohesh@gmail.com

همکاران:

امور فنی، آماده‌سازی و نشر: سرهنگ ستاد، علی عقیلی عطار

ویراستار: ستوان سوم وظیفه حسین حقی

صفحه آرا: ستوان دوم وظیفه علیرضا شهبازی

طرح جلد: گروهان دوم وظیفه علیرضا اصغری

مقدمه، حواشی و تعلیقات: بهمن الماسی

فهرست مطالب

غزلیات:

صفحه	عنوان شعر	صفحه	عنوان شعر	صفحه	عنوان شعر
۶۶	تخت کمالات	۴۲	بازا و بنشین ای صنم	۱۷	ای مدد کامکار
۶۷	ترک مقامات	۴۳	باغ خدا	۱۸	آدم خیرالبشر
۶۸	تزویر، نام و ننگ است	۴۴	باغ سحر	۱۹	آرام بر افلاک
۶۹	تسلیم قضا	۴۵	بانگ نشاط	۲۰	آستان دوست
۷۰	تمنای جوابم	۴۶	بختم مساعد است	۲۱	آینه‌ی روحانی
۷۱	تو عاری از خطایی	۴۷	بر خیز	۲۲	آینه‌ی تمثیل
۷۲	تیغ مشتاقی	۴۸	برده‌ی نفس	۲۳	آشفته دلان
۷۳	جسم گنه پیشه	۴۹	بر سر احرام	۲۴	از دوست یک اشاره
۷۴	جمال یار ربّانی	۵۰	شکن به نازی این فسون	۲۵	از بخت چه می‌نالی؟
۷۵	جهان گذران	۵۱	پلیان فصاحت	۲۶	از سر بازار عشق
۷۶	چشمه‌ی خورشید	۵۲	بهشت عارفان	۲۷	استر دیوانه
۷۷	چمن دل‌گشا	۵۳	بیوه‌ی دنیا	۲۸	اسیر ماه و پروینم
۷۸	چنگ در پرده‌ی غیب	۵۴	پاکان طریقت	۲۹	انگور بهشتی
۷۹	چنگ عشق	۵۵	پاکبازی و طریقت	۳۰	انوار پُر ازهار
۸۰	چوگان قضا	۵۶	پای پرهیز	۳۱	ای بس فزونت از قلم
۸۱	چمن گل بنشین	۵۷	پَر مرغ سلیمان	۳۲	ای گوهر غلطان ما
۸۲	چه خبر؟	۵۸	پرده نشینی	۳۳	رخ یار
۸۳	چند تفسیر خود داری	۵۹	پرده‌ی اسرار	۳۴	ای مرغ شکرریز
۸۴	چند کلام	۶۰	پرده‌ی هستی	۳۵	بازار دلپازی
۸۵	حال دل اهل دعا	۶۱	پرده‌ی هفت طبق	۳۶	بنی آدم به گل ماند
۸۶	حال ما گویا بهشتیان	۶۲	پرنیان خلق نیک	۳۷	با ما چرا با ما چرا؟
۸۷	حجاب جانان	۶۳	پرنیان کهکشان	۳۸	بادپایی به طریقت
۸۸	حجره‌ی عشق	۶۴	پیران طریقات	۳۹	با دوست خداییم
۸۹	حدیث معنیات گویم	۶۵	پیش صاحب نظران	۴۰	باران کرامات
۹۰	حرم عالم جان			۴۱	بازار شیدایی

صفحه	عنوان شعر	صفحه	عنوان شعر	صفحه	عنوان شعر
۱۵۴	شفا خانه	۱۲۳	رسم شهنشاه	۹۱	حرم غیب
۱۵۵	شرح غم تو خواندن	۱۲۴	رسوای جهانم	۹۲	حرم یار
۱۵۶	شرح فراق	۱۲۵	رندی و مصلحت	۹۳	حرم اهل نظر دار
۱۵۷	شرر در خرمن افشانم	۱۲۶	روسیدان شب عشق	۹۴	حکمت اقای خویش
۱۵۸	شرر بر عالم اسرار	۱۲۷	روی در پرده	۹۵	خاتم رنگین عشق
۱۵۹	شععات آفتاب	۱۲۸	ره آستان جانان	۹۶	خاتم شاهنشاهی
۱۶۰	شعله به گلزار	۱۲۹	ره درویشی و شاهی	۹۷	خاک ستمخانه
۱۶۱	شفاخانه‌ی ابرار	۱۳۰	ره هزارستان	۹۸	خانقاه غریبان
۱۶۲	شیوه‌ی رندی	۱۳۱	رهگذر عشق	۹۹	خانه‌ی سودا
۱۶۳	شور عشق ربانی	۱۳۲	زمزمه‌های دری	۱۰۰	خبرم از تو نباشد
۱۶۴	شیوه‌ی ناز	۱۳۳	بهر همگان	۱۰۱	خدا را پیشه کن
۱۶۵	صحرای غمدم	۱۳۴	سیدیه‌های اعلا را	۱۰۲	خراب‌آباد رضوانم
۱۶۶	صد سختم بر لب است	۱۳۵	سحرگاه	۱۰۳	خرمن حقیقت
۱۶۷	صنم گلشن خضرا	۱۳۶	سخن خام فلاسف	۱۰۴	خط وخال ریحانی
۱۶۸	طالع خسته	۱۳۷	سخن رندی	۱۰۵	خورشید اتفاق
۱۶۹	طبع بشر	۱۳۸	سخن ناسفته‌ی گویم	۱۰۶	خون‌بهای اهل دل
۱۷۰	طریق آسمان	۱۳۹	سخنان آشنایی	۱۰۷	دایره‌ی عقل
۱۷۱	طریق اهل دل	۱۴۰	سخنی بگو خدایی	۱۰۸	دل جام طهور است
۱۷۲	عارف تند زبان	۱۴۱	سر دو جهان	۱۰۹	در پنهان
۱۷۳	عاشق کافر کیش	۱۴۲	سرایا نینموا باشم	۱۱۰	درج محبت
۱۷۴	عاشقی پیشه شد	۱۴۳	سر سودای عشق	۱۱۱	درد تنهایی و غم
۱۷۵	عاشقی می‌طلبم	۱۴۴	سر منزل دانش	۱۱۲	درد نفسانی
۱۷۶	عالم پندار	۱۴۵	سلسله در سلسله	۱۱۳	دزد تکبر
۱۷۷	عالم تصویر	۱۴۶	سلطان چمن آرا	۱۱۴	دست خداوند عشق
۱۷۸	عالم روحانیان	۱۴۷	سماع عشق	۱۱۵	دفتر اخلاق
۱۷۹	عالم سنا	۱۴۸	سودای بی‌نیازی	۱۱۶	دفتر عمر
۱۸۰	عشاق پرده‌پوش	۱۴۹	سوز و ساز طریقت	۱۱۷	دو چشمان جهان‌بینم
۱۸۱	غسل دل	۱۵۰	سیره‌ی اصحاب	۱۱۸	دولت جان
۱۸۲	غنچه‌ی ناز دلبری	۱۵۱	سیمرغ عشق	۱۱۹	دیوان نوبهار
۱۸۳	فرشته‌خو	۱۵۲	سلوکی خواهم	۱۲۰	رسم و راز نیک‌مردی
۱۸۴	فریاد شوق عاشقی	۱۵۳	سدره‌نشین ملکوت	۱۲۲	رخصت عشق

صفحه	عنوان شعر	صفحه	عنوان شعر	صفحه	عنوان شعر
۲۴۵	نسیم دهنبت	۲۱۵	مایمی و منی شد	۱۸۵	فسونی و فسانه
۲۴۶	نسیم سحری	۲۱۶	مبارک سحری	۱۸۶	قافله‌ی قدر
۲۴۷	نشان اهل جنت	۲۱۷	محبت	۱۸۷	قبله‌ی مقصود
۲۴۸	نیمعان دو عالم	۲۱۸	مرتبه‌ی انسانی	۱۸۸	قلعه‌ی فلک الافلاک
۲۴۹	نغمه‌ی اسرار	۲۱۹	مرغ آستان	۱۸۹	قوم هوشیاران
۲۵۰	نفس باد بهاری	۲۲۰	مرغ بستان بهشت	۱۹۰	کاسه‌ی خون دل
۲۵۱	نقست گرم	۲۲۱	مریدحضرت یارم	۱۹۱	کلیه‌ی رعد
۲۵۲	نقطه‌ی عالم جان	۲۲۲	مزگان برنمی‌خیزد	۱۹۲	کمال دلفریب
۲۵۳	نوا‌ی بی‌نوا‌یی	۲۲۳	مسکین ارادت	۱۹۳	کمند هوس
۲۵۴	نوبت فصل بهار	۲۲۴	مسند جسم	۱۹۴	کوشش مرغ سحر
۲۵۵	نور تجلی	۲۲۵	مشعل افروزانند	۱۹۵	کوی خوبان
۲۵۶	نوسفر معنی	۲۲۶	مشق قرآنی	۱۹۶	که خداست ناخدایی
۲۵۷	نکته‌ی نو	۲۲۷	مشهور به شهرم	۱۹۷	گاه صواب
۲۵۸	وعده‌ی طوفان رهایی	۲۲۸	مشکف آب و گل	۱۹۸	غذا‌یان عنایت
۲۵۹	وعده‌ی وصل عاشقان	۲۲۹	معرفت نور خدائیت	۱۹۹	گذر از سدره و طوبی
۲۶۰	ویرانه‌ی دل	۲۳۰	معروف عارفان	۲۰۰	گفتار ظریف
۲۶۱	هزار اندیشه‌ی خام	۲۳۱	معشوق منی	۲۰۱	گل بی‌عیب و خطا
۲۶۲	هزاران ماجرا	۲۳۲	مفریان به بهشت	۲۰۲	گلشن اسرار
۲۶۳	هم‌آواز و خوشم	۲۳۳	مقام دوستان	۲۰۳	گلشن وصل
۲۶۴	هفت شاه بلند است	۲۳۴	مقامات غم عشق	۲۰۴	گنج در دولت دوست
۲۶۵	همه لبیک تو گویند	۲۳۵	مکاشفه‌ی غیب	۲۰۵	گنج مطلوب
۲۶۶	هنگامی گدا را	۲۳۶	مونس دیرین	۲۰۶	گنجینه‌ی لطف
۲۶۷	یک نفس	۲۳۷	مه عاشق‌گشی	۲۰۷	گنه من کرده‌ام
۲۶۸	هنگامی داود	۲۳۸	میراث غم عشق	۲۰۸	گوشه‌ی چشم رضا
۲۶۹	آهوی آشنایی	۲۳۹	میل به عصیان	۲۰۹	لباس فقر
۲۷۰	(خواب بی‌بروز) تا که نشین؟	۲۴۰	مست و هوشیار	۲۱۰	لشکر سبزینه و گل
۲۷۱	جواب امام علی (ع) به یزد	۲۴۱	مرتبه‌ی اهل یقین	۲۱۱	لشکر هوشیارها
۲۷۲	تقدیم به حضرت مهدی (عج)	۲۴۲	نامه‌بربان نگار	۲۱۲	لشکر خزان
۲۷۳	نسیم یار	۲۴۳	ناپخته مولانا کنی	۲۱۳	لطیف به دو عالم
۲۷۴	تقدیم به امام رضا (ع)	۲۴۴	ناسوکی شیدا	۲۱۴	ماه پنهان

عنوان شعر	صفحه
سجده‌ی بی‌سر	۲۷۶
محرّم	۲۷۷
اربعین حسینی	۲۷۸
برق چشم قدسیان	۲۷۹
قصیده:	
خوشید هشتم	۲۸۳

مثنویات:

عنوان شعر	صفحه	عنوان شعر	صفحه	عنوان شعر	صفحه
ایزوی خود همی دانا نریخت	۲۸۷	کم فرشی	۳۱۵	وعده‌ی قرآن	۳۴۹
جوابیه‌ای به شیطان پرستان ^۱	۲۸۹	محرّم قدّوس	۳۱۷	وحی فریادست	۳۵۲
جوابیه‌ای به شیطان پرستان ^۲	۲۹۲	مرغ و جغد سوخ	۳۱۹	کاسه‌های نوح (ع)	۳۵۴
مریم روح الامین	۲۹۴	مسجد گوهر نادر	۳۲۱	غدير خم	۳۵۶
زینب کبری (س)	۲۹۶	مسلمان متکبر و غیر برهمنی	۳۲۶	جوابیه‌ای به مدعیان طبع فارس	۳۵۸
سرای ماندنی	۲۹۸	بت پرست و خودپرست	۳۲۸	خطاب به قوم صهیونیت	۳۶۱
گم‌شده‌ی عشق	۳۰۰	بازار مکافات	۳۳۰	قرآن مجید	۳۶۳
حدیث مجنون	۳۰۲	پیک جان	۳۳۲	نامه‌ای به بوش	۳۶۶
حکیم چاره ساز	۳۰۴	درویش و سیوی زرین	۳۳۶	سوم خرداد	۳۶۹
خشت و بوته‌ی گل	۳۰۷	راز نفس	۳۳۸	در وصف نهالوند	۳۷۲
دنیا	۳۰۸	ربا، چنگ با خداست	۳۴۰	جوابیه‌ای به مدافعان شعر نو	۳۷۴
رند و خمیار	۳۰۹	سر معنی‌های راز	۳۴۲	خلقی عظیم	۳۷۶
شرحی بر بیتان "آفت پرستم"	۳۱۰	طعام عقل	۳۴۵		
کعبه‌ی عرفان	۳۱۳	قربانگه دل	۳۴۶		

رباعیات:

پیشگفتار

به نام خدواند جان و خرد

با نام او که قلم از توصیف حسنش حیران و عقل از ادراک بزرگی او سر در گریبان است. معلمی که علیم عشق بر بندگان آموخت و آن را فضل بر همه دانشها نهاد تا در این سلوک، عاشقان ربوبی، جمال حضرت جانان را به ستایش برخیزند.

دوش بی آنکه تو آبی و روی در نظرم

ماه پنهان تو بر پشت طرب می‌نگرم

شب همه شب که جهان خفته ز اسرار تو بود

شایدی بود و من و لوح و قلم در نظرم

سالها بود که در بیابانهای سوخته از جور آدم خاطی و لاله‌زارهای شهیدان افلاکی می-بودم؛ سומר، آن گوشه‌ی مظلوم ایران زمین که نظاره‌ی آن همه قساوت دشمن بی-مروت که خانه‌هایش را خراب و نخل‌های آن را چون شهبان سربریده دشت کربلا نموده بود، دل هر آزاده‌ای را خون می‌کرد، اما من آنجا به زبان دل می‌گفتم:

آن بیابان که همه ملک فنایش خوانند

صد چشمه جان‌بخش در او بود ناپدیدند

من بودم و آینه عشق و نفس دوست

دیدم که چه عشاق از این بام پیر شدند

این وادی پر عشق جانان و این کرانه پر موج هجران، زمزمه‌ها داشت پر رمز و راز که آسمانی‌ترین آیه‌های وصل را در گوش جانم می‌سرود.

آن رازها که با من گفتا نگار سرمست

در کار عشق بازی با هیچ کس نگفتا

چون دید در ارادت درویش اهل رازم

این شور بی نیازی با هیچ کس نگفتا

سخن از فیض رحمت الهی را آغاز و پایانی نیست، چرا که سرچشمه‌ی دل از کوههای ملکوت است و این چشمه جز به اذن خدا خشکی نپذیرد. در ابتدای چهل سالگی که نقطه افول چهل و عنفوان عقل است، مشاهدات عینی خود در این سلوک را در کتابی گرد آورده‌ام، باشد که مقبول عاشقان ادب و فرهنگ ایران زمین قرار گیرد. در پایان از خانواده‌ام که صبورانه مرا تحمل نموده و همواره مشوق و چراغ راهم بوده‌اند تشکر می‌نمایم.



یزدان درویشی در ششم فروردین ماه ۱۳۵۲ در خانواده اهل دین و اهل ذوق در روستای برزول از توابع شهرستان نهاوند به دنیا آمد تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در زادگاه خود به پایان رساند؛ در سال ۱۳۶۹ به سفارش پدر به استخدام نیروی زمینی ارتش سرافراز درآمد و هم‌اکنون نیز در کسوت سرباز اسلام میهن در ارتش مشغول انجام وظیفه می‌باشد. آشنایی وی با شعر و شاعری از همان سالهای دوره کودکی بود چرا که همگی خانواده وی با فنون

شعر و شاعری آشنایی کامل داشتند. جرقه‌ای که باعث شعله‌ور شدن احساسات درونی او شد در سال ۱۳۶۷ بود که با شاعر اهل بیت مرحوم محمدرضا آغاسی آشنا گردید که این مهم با تمرین و ممارست زیاد در کنج سنگرهای خاکی نفت‌شهر و سومار به حد کمال رسید. و امروز پس از پانزده سال سرودن، دیوان خود را به علاقه‌مندان شعر و ادب فارسی تقدیم نموده است. جرقه آغازین سرایش شعر عرفانی فارسی در جان همه شاعران بوده است اما آنچه آن را بیشتر شعله‌ور ساخت حمله مغول بود که شعر را از برون‌گرایی به درون‌گرایی سوق داد آنچنانکه حمله خونریزان و دژخیمان باعث، آتش خفته‌ی درون درویش شوریده را شعله‌ور و فروزان کرده است. تمام اشعار وی در قالب غزل، قصیده، مثنوی، و رباعی می‌باشد که برخی از آنها را با توجه به موقعیت‌های پیش آمده در سالهای اخیر سروده است. به عنوان نمونه مثنوی *(جوابیه‌ای به مدعیان خلیج همیشه فارس)* و نیز نمونه بارزتر آن مثنوی *(قرآن مجید)* که جوابیه‌ای است به کشیش مسیحی در خصوص اهانت به ساحت مقدس قرآن مجید که توسط **امیر سرتیپ یزدانستان**، فرماندهی محترم نیروی زمینی ارتش در محضر رهبر معظم انقلاب قرائت شده که بسیار مورد توجه معظم له قرار گرفته است.

مقدمه

بررسی صنایع ادبی دیوان

جهت دریافت سبک شعری هر شاعر و بخصوص تحقیق در ویژگی‌های لفظی آن بررسی صنایع ادبی شاعر اجتناب‌ناپذیر است. شاعر در بسیاری از ابیات، صنایع ادبی را در اشعار خود همچون موارد ذیل مورد استفاده قرار داده است:

زر گنج شعر دادی به من خراب زیرا نرسد به عاشقان لطمات بینوایی
که اشاره ریزی به حدیث نبوی: (إِنَّ اللَّهَ كُنُوزٌ تَحْتَ الْعَرْشِ مَفَاتِيحُ السَّنَةِ
الشُّعْرَا) دارد که هر چند در نظر اول اشاره به حدیث فوق در آن آشکار نیست
اما با درنگی عالمانه در آن، نکته تلمیحی آن نمایان خواهد شد. همچنین نکته
دیگر در آن تشبیه بلیغ شعر به گنج است. و یا در بیت زیر:

به دلم شوق تو باشد به سراپرده‌ی گیتی

که چو آرش بکشانم به وصال تو کمانی
در مصراع نخست اضافه‌ی تشبیهی سراپرده گیتی و در مصراع دوم تشبیه حماسی آرش
و کشیدن کمان به وضوح دیده می‌شود. و نیز در بیت زیر:

بر سر آتش و صلیم و نخواهیم فراق

زآنکه از روز ازل دیگ دل آرام نداشت
در مصراع اول آتش وصل تشبیه بلیغ است و در مصراع دوم دیگ دل تشبیه بلیغی
است که نظیر آن در دیوان کمتر شاعری دیده شده است.

پیمان الماسی

www.ketab.ir